

فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه  
سال سیزدهم (۱۳۹۱)، شماره ۲۴

## ساختار زبانی و موسیقایی ردیف در دیوان خاقانی\*

زهرا کریم زاده شوشتری نژاد<sup>۱</sup>  
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی  
دکتر عظامحمد رادمش  
استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

### چکیده

ردیف، به عنوان عنصری کمال بخش، همواره مورد توجه سخنوران سخن‌سنج بوده است و از جهات ضرب آهنگ موسیقایی و بلاغی، شعر را شنیدنی‌تر و گوش‌نوازتر می‌کند؛ البته مشروط بر آن که از نظر معانی، ارتباط تام با بافت سخن داشته و شعر، بدان نیازمند باشد.

خاقانی، علاقه فراوانی به استفاده از ردیف در اشعارش دارد پیش از او، کمتر کسی را می‌شناسیم که به این وسعت، به عنصر ردیف و گونه‌های مختلف زبانی آن روی آورده باشد. ردیف‌های شعر خاقانی، غالباً بر اساس مفهوم کلی شعر انتخاب شده‌اند و بدین‌سان، هماهنگی بین لفظ و معنا، برقرار شده است.

ردیف بیشتر اشعار او، با بافت و محتوای شعر، از لحاظ معنایی، تناسب دارد و گویای حال و هوای احساسی آن است. اغلب اشعار دیوان خاقانی، مردّف هستند که اکثر این ردیف‌ها، در قالب‌های مختلف شعری، از نوع فعلی هستند، هر چند انواع دیگر کلمه: اسم، حرف، ضمیر، صفت، قید، جمله و شبه جمله نیز در ردیف‌های اشعار مشاهده می‌شود. ردیف‌های او در یک شعر، گاه هم معنی نیستند و از لحاظ دستوری نیز، ساختار همانند و همسو ندارند. ردیف هر بیت او، با اجزای دیگر بیت، تشکیل دهنده آرایه ادبی است که جز جنبه بلاغی آن، موسیقی‌زاست و می‌تواند برانگیزاننده احساس درونی خواننده باشد.

کلیدواژه‌ها: ردیف، خاقانی، موسیقی شعر.

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۸/۷

\* تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۳/۳

۱- نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: karimzadeh1359@yahoo.com

## مقدمه

در تعریف ردیف نوشته‌اند: «ردیف، در اصل، خاص بوده به زبان پارسی و متأخر آن شعرای عرب، از پارسی‌گویان فراگرفته‌اند و به کار می‌دارند و آن، حرفی باشد یا کلماتی که بعد از روی موصول یا غیر موصول، مکرر شود در همه قوافی؛ و اعتبار در وی، تکرار الفاظ است و به معنی، اعتباری نیست، چه، اگر ردیف در همه قصیده به یک معنی بود یا به معانی مختلف یا بعضی را معنی باشد و بعضی را نباشد، به سبب آن که بعضی به انفراد، لفظی باشد و بعضی جزوی باشد از لفظی، روا بود.» (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۹) در تعریفی جامع می‌توان گفت: «ردیف، کلمه یا واحدهای بزرگ‌تر هماوا و هم املا، جمله یا جمله‌های مکرر است که در پایان مصراع‌های یک بیت (فرد یا مثنوی) و یا در مطلع و آخر مصراع‌های زوج شعری (رباعی، دو بیتی، غزل، قصیده، قطعه مصراع، ترجیع‌بند و...) و یا در پایان مصراع‌های زوج قطعه غیر مصراع، پس از قافیه قرار می‌گیرد؛ ممکن است که ردیف، هم معنی و مستقل و دارای یک ساختار دستوری نباشد و نیز در صورت هم معنی بودن ردیف، محتمل است که پیش از آن، قافیه به کار نرفته باشد.» (زادمنش، ۱۳۸۵، ص ۴۱)

خاقانی، برای ردیف<sup>۱</sup>، اهمیّت بسیاری قایل است، چنانکه در بیتی، با تلمیحی زیبا، ردیف شعر خود را از آینه اسکندر، برتر می‌شمرد:

گر نه ردیف شعر مرا آمدی به کار

مانسا که خود نساختی اسکندر آینه

(خاقانی، ص ۴۰۰، ب ۲)<sup>۲</sup>

ردیف، در اشعار خاقانی، همسو با مفهوم ابیات کل شعر به کار رفته است و این چنین، شعرهای او، دلنشین و مفاهیم، گیراتر شده‌اند. درباره ردیف‌های شعر خاقانی گفته‌اند: «ردیف در قصاید خاقانی، چشم‌گیر است و به نظر می‌رسد در آوردن ردیف و ساختن قصیده مردّف، تعمد داشته و از مجموع صد و سی و دو قصیده بلند او، هشتاد [و چهار] قصیده، مردّف است و بیشتر در حرف «دال» است که کلیّت دارد و نیز در حرف «میم»

است و در قوافی حرف «الف» ردیف ندارد. بسیاری از ردیف‌ها را به تناسب موضوع قصیده انتخاب کرده، مثلاً چون غُزان، خاک در دهان امام محمد یحیی کرده و او را خفه کرده‌اند، در رثاء او قصیده‌ای دارد با ردیف «خاک»:

ناورد محنت است در این تنگنای خاک

محنت برای مردم و مردم برای خاک

(همان، ص ۲۳۷، ب ۵)

و «آورده‌ام» ردیف قصیده‌ای است در موضوع آوردن مثنی خاک از بالین پیامبر اکرم (ص):

صبح‌وارم، کافتایی در نهان آورده‌ام

آفتابم کز دم عیسی نشان آورده‌ام

(همان، ص ۲۵۴، ب ۱۵)

و ردیف «شوم إن شاء الله»، در قصیده آرزوی اشتیاق خراسان:

به خراسان شوم «إن شاء الله»

آن ره آسان شوم «إن شاء الله»

(همان، ص ۴۰۵، ب ۳)

و یا «صفاهان»، ردیف قصیده مدح اصفهان است.

بیشتر ردیف‌های قصاید، فعلی است و به طور کلی، بار معنی بیت را، ردیف تحمّل می‌کند و معنی را پایان می‌بخشد، علاوه بر این که وزن قصیده را سنگین‌تر و استوارتر می‌سازد.؛ (سجّادی، ۱۳۸۶، ص ۵۵)

خاقانی، از جمله شاعرانی است که سبک و شیوه او، مورد توجه بسیاری از شاعران پس از او، قرار گرفته است: «شعر خاقانی، اوج بازی با ردیف است و پس از او، دیگران، از همین حدود، تجاوز نمی‌کنند، با این تفاوت که او کاملاً از عهده ادای فکر و مضامین خود بر می‌آید و آیندگان، اغلب، دچار یاوه‌گویی می‌شوند، بخصوص در

دوره صفوی، که در قصیده، همواره خاقانی را سرمشق قرار می‌داده‌اند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۳)

ردیف، کمال بخش معنایی ابیات است، چنان که منظور شاعر را آشکارا و گاه تلویحاً بیان می‌کند؛ ملاحظات شاعر در به کارگیری ردیف‌های خاص، بسیار دقیق است و در اکثر اشعار مردفش، بار معنایی ابیات را بر عهده ردیف، گذاشته است. برای نمونه، شاعر، برای توصیه به قناعت و ترک طمع، ردیف «نان» را برگزیده، با مطلع:

زین بیش آبروی نریزم برای نان

آتش دهم به روح طبیعی به جای نان

(همان، ص ۳۱۴، ب ۵)

ارتباط معنایی این ردیف با کلّ مفهوم قصیده، نشان دهنده آن است که خاقانی، در به کار بردن ردیف‌هایی مرتبط با مفاهیم اشعارش، دقت داشته، منظور خود را در تک تک ابیات، با آن ردیف، مدام یادآور می‌شود.

شاعر، آنگاه که در شکایت و ضجرت سخن می‌راند، ردیف‌هایی چون: چه کنم، ندارم، می‌گریزم، نیند، نمی‌یابم، نبینم، نیابی، مخواه، ندارد، از من دریغ داشت، نتوان نهادن، دریغ من و... به کار می‌برد، به طوری که خواننده، انعکاس ناراحتی و شکوه شاعر را تا پایان شعر، احساس می‌کند، مثلاً:

عافیت، کس نشان دهد؟ ندهد

وز بلا کس امان دهد؟ ندهد

(همان، ص ۷۶۱، ب ۵)

این ردیف، که از دو فعل متضاد تشکیل شده است، نارضایتی شاعر را بخوبی نشان می‌دهد. در موارد بسیار دیگری، شاعر، این گونه هوشمندانه، منظور خود را با ردیف‌هایی مناسب، بیان داشته است.

آیا ردیف‌ها باید هم معنی باشند؟ جواب این سؤال آن است که در برخی آثار بلاغی، از جمله «المعجم فی معاییر اشعار العجم»، (شمس قیس رازی، ۱۳۳۸،

ص ۲۶۰)، «دُرّة نجفی»، (نجفقلی میرزا (آقا سردار)، ۱۳۵۵، صص ۹۳-۹۴) و تألیفاتی دیگر مانند «کشاف اصطلاحات الفنون»، (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۸۵۶، ذیل مدخل ردیف) و «دایرة المعارف فارسی»، (مصاحب، ج ۱، ذیل مدخل ردیف)، هم معنی بودن ردیف، ملازم تعریف آن آمده، اما در آثاری همچون «معیار الاشعار»، (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۹) و «نفایس الفنون فی عرایس العیون»، (شمس‌الدین محمد آملی، ۱۳۷۷ ق، صص ۱۶۴-۱۶۵)، هم معنی بودن آن، لازم شمرده نشده، بلکه اعتبار ردیف، در لفظ، دانسته شده نه در معنی؛ برخی نیز در همسانی معنی ردیف، سکوت کرده‌اند.<sup>۳</sup> صاحب براهین العجم، جانب میانه را گرفته و می‌گوید: «تغییر معنی را گاهی روا دارند اما پسندیده نباشد.» (سپهر، ۱۳۵۱، صص ۲۲-۲۳) خاقانی نیز همچون بسیاری از شاعران، اعتقاد چندانی به هم معنی بودن ردیف ندارد و گاهی ردیف‌هایی با معانی مختلف، در شعر او، مشاهده می‌شود، مثلاً در غزلی، ردیف «درگذشت»، در اکثر ابیات به معنی «فرا تر رفت» به کار رفته:

کار عشق، از وصل و هجران درگذشت

درد ما از دست درمان درگذشت

(خاقانی، ص ۵۵۴، ب ۱۵)

در دو بیت زیر از همین غزل، دو معنای متفاوت، مشاهده می‌شود، که اولی به معنی «صرف نظر کرد» و دومی به معنی «فوت کرد» به کار رفته است:

در زمانه، کار، کار عشق توست

از سیر این کار، نتوان درگذشت

(همان، ص ۵۵۵، ص ۲)

فتنه عشق تو بردارد جهان

خاضه می‌داند که سلطان درگذشت

(همان، ص ۵۵۵، ص ۴)

گاه ردیف‌های او، ساختار دستوری یکسان ندارند؛ چنانکه در قصیده‌ای، با مطلع:

«سر چه سنجد، که هوش می بشود

تن چه ارزد که توش می بشود»،

(همان، ص ۱۶۸)

«می بشود» فعل تام و در برخی ابیات دیگر، از جمله بیت زیر، فعل ربطی است:

مسنم آن بید سوخته که به من

دیده راوق فروش می بشود

(همان، ص ۱۶۸، ب ۱۱)

یا در قصیده‌ای، با مطلع:

«آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد

و آن نیل مکرمت که شنیدی سراب شد»،

(همان، ص ۱۵۵)

«شد»، فعل ربطی و در بیت دیگر همین قصیده، فعل تام است:

ماتم‌سرای گشت سپهر چهارمین

روح الامین به تعزیت آفتاب شد

(همان، ص ۱۵۶، ب ۱۱)

در یک بیت یا یک شعر، گاهی کلماتی تکرار می‌شود که همچون ردیف، موسیقی

بیت را دربردارند، اگر این کلمه مکرر، قبل از ردیف باشد، آن را حاجب می‌گویند که

در قطعه‌ای از خاقانی نیز مشاهده می‌شود:

تا به خط شط ارجیش درنگ است مرا

بحر ارجیش فزود از قدم من زان سانک

بحر ارجیش ز طبعم، صدف افزود صدف

بُرج برجیس ز یونس، شرف افزود شرف

(همان، ص ۸۹۶، ب ۵۴)

از ۱۳۵۰ مورد شعری که در دیوان خاقانی موجود است، ۹۵۷ مورد آن، مردّف است که ۷۰/۸۸ درصد کلّ ردیف دیوان را شامل می‌شود. (← جدول شماره ۱) و سهم قصاید بلند ۸۴ قصیده از ۱۳۲ قصیده است که ۶۳/۶۳ درصد کلّ قصاید بلند را شامل می‌گردد. (← جدول شماره ۲) از ۱۱۶ قصیده کوتاه، ۹۲ قصیده، مردّف است که ۷۹/۳۱ درصد کلّ قصاید کوتاه را دربرمی‌گیرد. (← جدول شماره ۳) از ۳۳۸ غزل موجود در دیوان، ۲۶۷ غزل، مردّف است که ۷۸/۹۹ درصد غزلیات را به خود اختصاص می‌دهد. (← جدول شماره ۴) از ۱۴۲ بند ۱۶ ترجیع بند، ۱۳۷ بند آنها مردّف است که ۹۶/۴۷ درصد کلّ ترجیعات را دربرمی‌گیرد. (← جدول شماره ۵) سهم رباعیات، ۱۶۰ رباعی از ۲۹۷ رباعی موجود در دیوان است که ۵۳/۸۷ درصد رباعیات را شامل می‌شود. (← جدول شماره ۶) از ۳۲۵ قطعه<sup>۴</sup>، ۲۱۷ قطعه آن، دارای ردیف است که ۶۶/۷۶ درصد کلّ قطعات را تشکیل می‌دهد. (← جدول شماره ۷)

ردیف، از نظر بلاغی و موسیقایی، در شعر، بسیار اهمّیت دارد، حال اگر ردیف با عناصر و اجزای بیت، از جهتی، هماهنگ باشد و آرایه‌ای ادبی بسازد، زیبا و دلنشین نیز هست، ضمن این که ذهن را به جنبه‌های دیگر بلاغی و موسیقایی می‌کشاند و به تأمل و تفکر وامی‌دارد.

متن (بحث):

#### ساختار زبانی ردیف:

الف- ردیف‌های فعلی: ۷۳۶ مورد است که تشکیل دهنده ۷۶/۹۰ درصد کلّ ردیف

در دیوان خاقانی است:

۱- انواع فعل تام (۵۴۹ مورد): که ۷۴/۵۹ درصد کلّ ردیف‌های فعلی است:

۱-۱- فعل تام (۴۵۰ مورد): (قصاید بلند): برخاست، ندیدست، افشاندست، خواهم

داشت، خواهم فشاند و...

۱-۲- ... + فعل تام (۸۸ مورد): (قصاید بلند): شدنم نگذارند، چه کنم، به خراسان

یابم، نوپرداخته، تازه بینی. (قصاید کوتاه): کس نیافت، نو نشست، جُستم نیست و...

(غزلیات): بر من گرفت، یارم جَست، تازه کرد، تو رسد و... (ترجیعات): تازه کن، تازه بین، نو زَند، یاد آورید، آمد برون، او زبید، بیرون فتاد و... (رباعیات): سود نداشت، تو خاست، چیست که نیست، می جویی نیست و... (قطعات): علم طلب، چون نشست، چو برفت و...

۳-۱- وجه مصدری تام (۵ مورد): (قصاید کوتاه): نتوان نهادن. (غزلیات): نتوان یافت، توان خواست، نتوان نهاد. (ترجیعات): نتوان یافت.

۴-۱- فعل دعا یا صیغۀ دعا (۶ مورد): (قصاید بلند): مبینام. (ترجیعات): مرساد، مبینام، رساد. (قطعات): بماناد، رساد.

۲- انواع فعل ربطی (۱۸۷ مورد): که ۲۵/۴۰ درصد کل ردیف‌های فعلی را تشکیل می‌دهد:

۲-۱- فعل ربطی (۱۰۸ مورد): (قصاید بلند): است ۳ بار، شد، می‌شود، شده. (قصاید کوتاه): است ۴ بار، نیست، شد ۲ بار، باشم ۲ بار، بودی. (غزلیات): است ۸ بار، نیست ۲ بار، نبود، گردد ۲ بار، نمی‌شود، باشد، شد ۲ بار، گردد، بود ۳ بار، نمی‌گردد، ام، مشو، بودی. (ترجیعات): شد، شو، شده. (رباعیات): است ۹ بار، نیست ۳ بار، می‌گردد، باشد ۲ بار، بود، باش ۲ بار، نه‌ام، باشم، شوَم، شدی، امی. (قطعات): است ۲۱ بار، نیست ۶ بار، شود، بود ۴ بار، نشود، باشد ۳ بار، شد ۲ بار، بُوَم، اند، شوَمی.

۲-۲- ... + فعل ربطی (۶۴ مورد): (قصاید بلند): ماست، نکوتر است، اوست. (قصاید کوتاه): من است، تو گم شد، منندی، چه غمستی، کس را نی. (غزلیات): کجاست، اوست، روزی است، چه خوش است، تو نیست ۲ بار، چگونه باشد، اویم، توام، توایم، که تویی ۲ بار، من چونی، تو باشی. (ترجیعات): توست ۲ بار، ماییم، چون تویی، آخر کجاست، چه باشی، اوست. (رباعیات): توست ۲ بار، کجاست، عشق است و... (قطعات): توست، اوست ۶ بار، من است، من رانده است، مُرده است، دَر است و...

۳-۲- وجه مصدری ربطی (۱ مورد): (غزلیات): توانم شد.



۴-۲- فعل دعا یا صیغه دعا (۶ مورد):

۴-۲- فعل دعا (۲ مورد): (ترجیعات: بادا! (قطعات: بادا!

۴-۲-۲ ... + فعل دعا (۴ مورد): (قصاید کوتاه): بدرود بادا! (غزلیات: تو بادا!

(ترجیعات: مُلک بادا! تو بادا!

۵-۲- فعل کمکی یا معین (۸ مورد): (غزلیات: ایم ۲ بار، ام. (رباعیات: اند ۲ بار،

ای. (قطعات: اند، ام.

ب- ردیف‌های اسمی: ۶۶ مورد است که تشکیل دهنده ۶/۸۹ درصد کل ردیف در

دیوان خاقانی است:

۱- اسم عام (۳۹ مورد): (قصاید بلند) آفتاب، خاک، نان، ساختن، داشتن، صبحگاه،

آینه. (قصاید کوتاه: خلوت، بی‌بی. (غزلیات: خوردن، آمدن. (ترجیعات: رفتن،

زندگی، آسمان، مملکت، معرکه، صبح ۲ بار، صبح، صبحدم، جهاننداری، فلک.

(رباعیات: تیغ، عشق، غم، جُنبان، سخن ۲ بار، اندیشه. (قطعات: کلیسیا، آب، چرخ،

عُمر، سر، مادر، عقل، چشم، ریختن، کندن.

۲- ... + اسم عام (۲۱ مورد): (قصاید کوتاه): در کشم هر صبحدم، به صبحگاه.

(غزلیات: زیر آب، و بر تو به نیم جو، ز دیده، به دوستی، برتابد هر دلی. (ترجیعات:)

بنمود صبح، بندد صبح، برکرد صبح، کرد آفتاب، آمد به رزم، باد از ظفر، زند صبح،

بست آسمان، باد پدر. (رباعیات: چو آب، است آن لب، است آن مرد، گل و شمع، به

گرو.

۳- اسم خاص (۶ مورد): (قصاید بلند): صفاهان، کعبه، ری. (قطعات: اسد،

عزالدین بو عمران، عنصری.

ج- ردیف‌های ضمیری: ۹۱ مورد است که ۹/۵۰ درصد کل ردیف دیوان خاقانی را

شامل می‌شود:

۱- ضمیر منفصل (۳۸ مورد): (قصاید بلند): مرا، من، او ۳ بار، همه. (قصاید

کوتاه: خویش، او. (غزلیات: مرا، من ۳ بار، او، تو ۵ بار. (ترجیعات: آنک، او.

(رباعیات: هیچ، من، او، تو ۳ بار. (قطعات: ۳ بار، خویش ۳ بار، من ۳ بار، تو ۳ بار، او.

۲- ... + ضمیر منفصل (۳۱ مورد): (قصاید کوتاه: نیافت کس. (غزلیات: تاکجا، است مرا، من کجا، است آن، است این، ز من، از تو، کیست او، من چه. (ترجیعات: بین در او، روی تو، نمود آنک، کنند همه، است آن همه. (رباعیات: است مرا، از من، دل من ۲ بار، من و تو، بی تو، از تو، آید از او، از او، و تو. (قطعات: غم ما، است مرا، رسد مرا، ز من، از او، هر سه.

۳- ... + ضمیر متصل (۲۲ مورد): (قصاید بلند: سخاش. (قصاید کوتاه: نگهدارش. (غزلیات: می فرستمت، آیمت، سگ کویت، می خواندش. (ترجیعات: آیدت، بینمش، می خواندش، تیغش، کشد عدلش، است از غمش، شکستنش. (رباعیات: جویمت، هم هیچ، و دلم، سخنم ۲ بار، دلم. (قطعات: می چکدش، شمارش، شناسمش.

د- ردیف‌های قیدی: ۱۴ مورد است که ۱/۴۶ درصد کل اشعار مردّف را تشکیل می‌دهد، یعنی خاقانی، علاقه‌چندانی به استفاده از این نوع ردیف، نداشته است:

۱- قید مختص (۱ مورد): (ترجیعات: هنوز.

۲- ... + قید مختص (۲ مورد): (غزلیات: نگستی هنوز. (رباعیات: است هنوز.

۳- قید مشترک (۷ مورد): (قصاید بلند: بس. (غزلیات: باری. (ترجیعات: آخر، هر زمان. (رباعیات: اینجا، برون. (قطعات: بار.

۴- ... + قید مشترک (۴ مورد): (غزلیات: چنین خوشتر. (ترجیعات: کنید امروز. (رباعیات: یک روز، همه سال.

ه- ردیف‌های حرفی: ۲۴ مورد است که ۲/۵۰ درصد کل ردیف‌های دیوان را تشکیل می‌دهد و بیانگر عدم تمایل شاعر شروان در کاربرد این نوع ردیف است:

۱- حرف (۹ مورد): (قصاید بلند: را. (قصاید کوتاه: هم. (غزلیات: راه، نه. (ترجیعات: را. (رباعیات: هم. (قطعات: را ۳ بار.

۲- ... + حرف (۱۵ مورد): (قصاید کوتاه): است باز. (غزلیات): فرست ما را، ما را، تو نه. (ترجیعات): صبح‌را، باد هم، شاه را، بینی به هم، به صبح اندر، تو عالم را، است آنچنان. (رباعیات): ما را، ارزد؟ نی. (قطعات): خَلق را، کعبه را.

و- ردیف‌های وصفی: ۱۰ مورد است که ۱/۰۴ درصد کل اشعار مردّف دیوان را تشکیل می‌دهد و از جمله انواع ردیفی است که خاقانی علاقه‌ای به کاربرد آن، نداشته:

۱- صفت مشتق (۱ مورد): (قطعات): نایافت‌تر.

۲- صفت جامد (۴ مورد): (ترجیعات): ایزدی. (رباعیات): به. (قطعات): کمتر، کور.

۳- ... + صفت جامد (۵ مورد): (قصاید کوتاه): در بسته به. (غزلیات): تو اولی‌تر، تو بس. (ترجیعات): مرا بس. (قطعات): باشد سرد.

ز- ردیف‌های شبه جمله یا جمله‌واره‌ای: ۷ مورد است که شامل ۰/۷۳ درصد کل ردیف‌هاست و رقم اندکی از ردیف‌های دیوان را به خود اختصاص داده است. (قصاید کوتاه): ای دریغ! دریغ من! (غزلیات): ای باد! (رباعیات): پسر! ای دل! ۳ بار.

ح- ردیف‌های جمله‌ای: ۹ مورد است که تشکیل دهنده ۰/۹۴ درصد کل ردیف‌هاست که کمترین میزان ردیف را به خود اختصاص داده: (قصاید بلند): برنتابد بیش از این، شوم إن شاء الله. (غزلیات): از من دریغ داشت، نپندارم که دارد کس، چنان آمد که من خواهم. (قطعات): دیده‌ام ز طالع خویش، دادی احسنت ای مَلِکَا، دادی احسنت ای فلکَا، نگیرم پس از این. (کتابخانه ملی و مطابع فرهنگی)

ردیف از نظر بلاغی و موسیقایی:

تکریر<sup>۵</sup>: تکرار، نه تنها به عنوان عنصر بلاغی، بلکه از جهت موسیقایی و آوایی نیز، حائز اهمیت است، ضمن این که جنبه تأکیدی آن، باعث زیبایی شعر می‌گردد؛ مثلاً در ابیات زیر از قصاید بلند، با مطلع:

خاک سیاه بر سر آب و هوای ری

دور از مجاوران مکارم‌نمای ری

(خاقانی، ص ۴۴۳، ب ۱۸)

تکرار ۳ گانه «ری»، گوش نواز و آهنگین است:

میر منند و صدر منند و پناه من

هم لطف و هم قبول و هم اکرام یافتم

سادات ری و ائمه ری و اتقیای ری

ز احرار ری و افاضل ری و اولیای ری

(خاقانی، ص ۴۴۴، ب ۹۸)

**تصدیر:** تکرار ردیف در صدر مصراع نخست، بیت را زیبا و دلنشین می‌کند؛ تکرار

ردیف «چشم» در ابتدای بیت زیر از قطعات، موسیقی زاست:

چشم در خاکش بمالم تا شود سیماب ریز

گوش را یکسر بینبارم هم از سیماب چشم

(همان، ص ۹۰۲، ب ۷)

**واج آرایی:** تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها در یک بیت، گوش‌نواز است؛ هرچه این

همنوایی‌ها بیشتر باشد، تأثیر آن، لطیف‌تر خواهد بود، همچون تکرار ۱۰ گانه

صامت‌های «م»، «ن» و مصوت کوتاه «ک» که از حروف تشکیل دهنده ردیف بیت زیر از

رباعیات است، بیت را آهنگین کرده است:

غمخوار توام، غمان من من دانم

خونخوار منی، زیان من من دانم

(خاقانی، ص ۷۲۸، ب ۷)

**مراعات نظیر:** تناسب و تقارب ردیف با سایر الفاظ یافت بیت و تداعی ملازمت و

مشابهت آن با کلمات، چه صوری و چه معنوی، از جهت بلاغی، قابل اهمیت است؛

مثلاً در بیت زیر از ترجیعات، با مطلع:

مرغ، خوش می‌زند نوای صبح

بشنو از مرغ هین صلا صبح

(همان، ص ۴۸۱، ب ۱۸)

تناسب بین کلمات «ساغر و می» در ارتباط با ردیف «صبح»، تأثیر گذار و زیباست:

ساغری پیش از آفتاب بخواه

از می آفتابزای صبح

(خاقانی، ص ۴۸۲، ب ۲)

**تضاد:** تقابل ردیف با اجزای شعر، موسیقی معنوی آن را تأمین می‌کند و از جهت زیبایی شناسی، اهمیت فراوان دارد؛ چنانکه ردیف فعلی «نماند» با فعل «ماند»، در بیت این رباعی زیر، متضاد هستند:

آن تن که حساب وصل می‌راند، نماند

گر بوی ببری که غم ز دل رفت، نرفت

و آن جان که کتاب صبر می‌خواند، نماند

ور وهم کنی که جان بجا ماند، نماند

(خاقانی، ص ۷۱۴، ب ۱۵ و ۱۶)

**تشخیص<sup>۷</sup>:** شخصیت بخشی - که نوعی استعاره کنایی است - بیت را خیال انگیز و زیبا می‌کند، ضمن این که ذهن را به تأمل و تلاش وا می‌دارد؛ چنانکه در بیت زیر از ترجیعات، عمل «بستن» به ردیف «صبح» نسبت داده شده است:

برقع زرنگار بندد صبح

نقش رخسار یار بندد صبح

(همان، ص ۴۸۱، ب ۳)

**تشبیه:** تشبیه، از عوامل مهم جمال ادبی است که هم در صنایع معنوی از آن بحث می‌شود و هم در بیان؛ در هر حال، تشبیه، از لحاظ زیبایی شناسی و موسیقی معنوی، قابل اهمیت است و اگر انگیزش خیال و اغراق را نیز به همراه داشته باشد، بلیغ‌تر خواهد بود؛ در رباعی زیر، ردیف «سخن» به کلمات «تیر، زنجیر و شیر» تشبیه شده است:

تا بر هدف فلک زدم تیر سخن

طبع سخنم همچو عسل خواهد بود

از حلقه گسسته بود زنجیر سخن

طبعم چو شکر فکند در شیر سخن

(خاقانی، ص ۷۳۰، ب ۲، ۱)

استعاره: استعاره، در برانگیختن عواطف، نقش بارزی دارد و موجب تکاپوی ذهن

در یافتن معانی می‌گردد، مثلاً در بیت زیر از قصاید بلند، با مطلع:

ای عارض چوماه تو را چاکر آفتاب!

یک بنده تو ماه سزد، دیگر آفتاب

(همان، ص ۵۸، ص ۱۹)

«آفتاب»، استعاره از چهره زیبای معشوق است؛ طرد و عکس مصراع دوم آن نیز،

قابل توجه است:

بی روی و موی تو، نبرد هیچ کس گمان

بر آفتاب، عنبر و بر عنبر، آفتاب

(همان، ص ۵۹، ب ۶)

لفظ و نشر: از زیبایی‌های ادبی است که ذهن را به تفکر وامی‌دارد، در بیت دوم

رباعی زیر، علاوه بر تشبیه، «خوی سرد» به «گل»، سپس «خوی گرم» به «شمع» به

صورت مرتب، مربوط شده اند: گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ای گشته خجل ز آن رخ گلگون، گل و شمع

من در هوس آن رخ همچون گل و شمع

وز رشک تو در سرشک و در خون، گل و شمع

کرده خوی سرد و گرم همچون گل و شمع

(همان، ص ۷۲۳، ب ۱ و ۲)

مجاز: استعمال ردیف در غیر معنی حقیقی، با وجود علاقه و قرینه، لطفی به بیت می‌بخشد؛ مثلاً در بیت زیر از قصاید بلند، بامطلع:  
ناورد محنت است در این تنگنای خاک

محنت برای مردم و مردم برای خاک»  
(همان، ص ۲۳۷، ص ۵)

مجاز، با علاقهٔ ماکان، در ردیف «خاک» و ارادهٔ «انسان» است:  
هرگز وفا ز عالم خاکی نیافت کس

حق بود دیو را که نشد آشنای خاک  
(همان، ص ۲۳۷، ب ۱۱)

تلمیح: بیت زیر، مطلع قصیده‌ای با ردیف «شوم إن شاء الله» است که در آن، جملهٔ «إن شاء الله» که بخشی از ردیف قصیده‌ای بلند است، به آیه‌ای از قرآن، تلمیح دارد، که این آیه در سوره‌های: بقره، ۷۰؛ یوسف، ۹۹؛ قصص، ۲۷؛ صافات، ۱۰۲ و الفتح، ۲۷، آمده است:

به خراسان شوم «إن شاء الله»

آن ره آسان شوم «إن شاء الله»  
(همان، ص ۴۰۵، ص ۳)

ایهام: تلاش برای یافتن معانی متعدد، که مورد نظر شاعر بوده، در کلماتی که بیش از یک معنی را می‌رسانند، از زیبایی‌های ادبی است؛ مثلاً «اسد» در بیت زیر از قطعات، به سه معنا، اشاره دارد: ۱. صورت فلکی اسد. ۲. شیر جنگل به عربی. ۳. اسدالدین شروانی (ممدوح خاقانی):

آسمان کردی بر گنج کمال

حمل و ثور، دو قربان اسد  
(همان، ص ۸۶۸، ب ۱۳)

جناس: مشترک بودن الفاظ، در کُل یا برخی حروف، هم از جهت بلاغی و هم از حیث موسیقایی، قابل توجه است؛ شواهد زیر، جناس‌های مختلف و متنوعی را شامل می‌شود و نشان دهنده این مسأله است که خاقانی، علاقه فراوانی به تجانس ردیف با سایر کلمات بیت داشته است:

### جناس زاید:

مَیْده تنها توراست، تنها خور

به سگان ده، به هم نشست مَده

(همان، ص ۸۰۰، ص ۸)

کلمه «مَیْده» در میانه، حرفی افزون بر ردیف «مَده» دارد. این بیت، از قصاید کوتاه است، با مطلع:

راز دارم، مَرا ز دست مَده

بیخودان را به خودپرست مده

(همان، ص ۸۰۰، ص ۲)

### جناس متوج<sup>۸</sup>:

تا ترسند این دو طفل هندو اندر مهد چشم

زیر دامن پوشم از درهای جان فرسای من

(همان، ص ۳۲۱، ب ۶)

کلمه «دامن»، حرفی افزون بر ردیف «من» در ابتدا دارد. این بیت، از قصاید بلند آمده، با مطلع:

صبحدم چون کله بندد آه دود آسای من

چون شفق در خون نشیند چشم شب پیمای من

(همان، ص ۳۲۰، ص ۱۷)



### جناس مذئیل:

صبح شما دمی است، دم ما هزار صبح

هر پنج وقت ما شده یکسان صبحگاه

(همان، ص ۳۷۴، ب ۱۸)

ردیف «صبحگاه» در آخر، حروفی افزون بر کلمه «صبح» دارد. این بیت، از قصاید

بلند است، با مطلع:

ما را دلی است زگه خور خوان صبحگاه

جانی است خاک جرعه مستان صبحگاه

(همان، ص ۳۷۳، ب ۱۷)

### جناس لاحق:

بدرقه چون گشت عشق، از بس بس تاختن

تفرقه چون گشت جمع، با کم کم ساختن

(همان، ص ۳۱۵، ب ۸)

ردیف «ساختن» با کلمه «تاختن» در حرف نخست، متفاوت است. این بیت، از

قصاید بلند انتخاب شده است، با مطلع:

سنت عشاق چیست؟ برگ عدم ساختن

گوهر دل را ز تف، مچمر غم ساختن

(همان، ص ۳۱۵، ب ۷)

### جناس مطرف:

نیست شفیعیّت که گوید: مگش

نیست حریفیت که گوید: مگن

(همان، ص ۹۱۵، ب ۸)

در بیت فوق از قطعات، ردیف فعلی «مگن» با فعل «مگش» در حرف انتهایی

متفاوت است.

### جناس اشتقاق:

گر به جان فرمان دهی، فرمانت را گردن کشم

پیش تو گر تو تویی، گردنکشان گردن کشند

(همان، ص ۵۲۴، ب ۱۰)

شاعر، ردیف فعلی «کشند» را با کلمات «گردنکشان و کشم» - که ریشه فعلی مشترک دارند - برای آرایش کلام، در این بیت از ترجیعات به کار برده است. مطلع آن بند چنین است:

سرکشان از عشق تو در خاک و خون دامن کشند

من کیم در کوی عشقت کاین رقم بر من کشند؟

### جناس تام:

والا ملکسی که داد سلطانی داد

من دانم گفت، کام خاقانی داد

(همان، ص ۷۱۳، ب ۷)

ردیف فعلی «داد» در بیت نخست رباعی فوق، با کلمه «داد» به معنی «عدل» گرچه در ظاهر شبیه هستند، اما معانی متفاوتی دارند.

### جناس مرکب:

کس درده نیست، جمله مستند

بگوانگی ببه ده خراب درده

(همان، ص ۶۶۲، ب ۴)

ردیف فعلی پیشوندی «... درده» با کلمه دو بخشی «درده»، این جناس را می‌سازد؛

مطلع این غزل چنین است:

سرمسـتم و تشـنه، آب درده

آن آتـش گـون گـلاب درده

(همان، ص ۶۶۱، ب ۱۳)

### جناس خطی:

چون صغیرش زنی، کژت نِگِرد

اسب کو را نظر بر آبخور است

(همان، ص ۶۳، ب ۸)

کلمه «اسب» با ردیف فعلی «است»، در نوشتن و حروف، یکسان، اما در نقطه متفاوتند. این بیت، برگرفته از قصیده‌ای بلند است، با مطلع:

قلم بخت من، شکسته سر است

موی در سر، ز طالع هنر است

(همان، ص ۶۲، ب ۱۶)

### جناس قلب:

خاقانی را جور فلک یاد آید

گر مرغ دلش زین قفس آزاد آید

(همان، ص ۷۱۳، ب ۱)

در ابیات رباعی فوق، ردیف فعلی «آید» با کلمه «یاد»، در حروف همگون، دگرگونی دارد.

### نتیجه‌گیری

ردیف، یکی از عناصر مهم بلاغی و موسیقایی شعر است که توجه بدان، به گونه‌ای که در جای خود، متمکن باشد و از لغو، عاری، بسیار اهمیت دارد؛ در اغلب اشعار، ردیف با تار و پود، موضوع و محتوای شعر، از لحاظ معنایی، همخوانی دارد و کامل‌کننده معنی آن، هم از جهت زبان و هم از حیث احساس شاعرانه است. خاقانی، از جمله شاعرانی است که در پرداختن به ردیف، بسیار علاقه‌مند بوده؛ بسامد استفاده او از این بُعد خنثیابی شعر، مؤید این مدعاست.

شاعر شروان، به انواع ردیف، توجه داشته و به صورت وسیعی از آن بهره گرفته و آن را با بافت شعر، هماهنگ نموده و پرورش داده است.

ردیف‌ها در اشعار خاقانی، انواع کلمه: اسم، فعل، حرف، ضمیر، صفت، قید، شبه جمله و حتی جمله را دربردارد؛ جدول‌های مربوط، به خوبی نشان می‌دهد که از آن میان، ردیف فعلی، بسامد بالایی دارد.

ردیف‌های اشعار خاقانی، با بافت بیت، تناسب بلاغی و موسیقایی دارد؛ او از این عنصر، برای القای ابعاد خنثیایی شعرش، بسیار استفاده کرده است؛ ممکن است ردیف‌های او هم معنی و یا از جهت دستوری، همسو و همسان نباشند؛ بدین معنی که از ردیف یک شعر، چند معنی استنباط می‌شود و یا احتمال دارد که ردیف شعری، چند قسم از انواع کلمه را شامل شود.

ردیف، با بافت شعر، صنایع ادبی لفظی و معنوی را تشکیل می‌دهد؛ این رویکرد، علاوه بر جنبه هنری و بلاغی، ابعاد موسیقایی شعر را نیز تأمین کرده، ذوق سلیم را برمی‌انگیزاند.

جدول شماره ۱ - ردیف در کل دیوان خاقانی:

درصد کل ردیف‌ها	تعداد کل ردیف‌ها	تعداد ردیف‌ها	انواع ردیف		
			انواع فعلی	انواع اسمی	
% ۷۶/۹۰	۷۳۶	۴۵۰	فعل تام	انواع فعل تام	
		۸۸	... + فعل تام		
		۵	وجه مصدری تام		
		۶	فعل دعا یا صیغه دعا		
		۱۰۸	فعل ربطی	انواع فعل ربطی	
		۶۴	... + فعل ربطی		
		۱	وجه مصدری ربطی		
		۲	فعل دعا یا صیغه دعا		
		۴	... + فعل دعا یا صیغه دعا		
		۸	فعل کمکی یا معین		
% ۶/۸۹	۶۶	۴۰	اسم عام	انواع اسمی	
		۲۱	... + اسم عام		
		۵	اسم خاص		
% ۹/۵۰	۹۱	۳۸	ضمیر منفصل	ضمیری	
		۳۱	... + ضمیر منفصل		
		۲۲	... + ضمیر متصل		
% ۱/۴۶	۱۴	۱	قید مختص	قیدی	
		۲	... + قید مختص		
		۷	قید مشترک		
		۴	... + قید مشترک		
% ۲/۵۰	۲۴	۹	حرف	حرفی	
		۱۵	... + حرف		
% ۱/۰۴	۱۰	۱	صفت مشتق	وصفی	
		۴	صفت جامد		
		۵	... + صفت جامد		
% ۰/۷۳	۷	۷	شبه جمله	شبه جمله‌ای	
% ۰/۹۴	۹	۹	جمله	جمله‌ای	
میانگین کل اشعار: % ۷۰/۸۸		۹۵۷	نتیجه نهایی: از کل اشعار (۱۳۵۰ شعر)		

جدول شماره ۲ - ردیف در قصاید بلند:

درصد کل ردیف‌ها	تعداد کل ردیف‌ها	تعداد ردیف‌ها	انواع ردیف		
			انواع فعل تام	انواع فعل ربطی	
%۷۵	۶۳	۴۸	فعل تام	فعل تام	فعلی
		۵	... + فعل تام		
		۱	فعل دعا یا صیغه دعا		
		۶	فعل ربطی	انواع فعل ربطی	
		۳	... + فعل ربطی		
%۱۱/۹۰	۱۰	۷	اسم عام	اسم خاص	اسمی
		۳	اسم خاص		
%۸/۳۳	۷	۶	ضمیر منفصل	... + ضمیر متصل	ضمیری
		۱	... + ضمیر متصل		
%۱/۱۹	۱	۱	قید مشترک		قیدی
%۱/۱۹	۱	۱	حرف		حرفی
%۲/۳۸	۲	۲			جمله ای
میانگین کل قصاید بلند: %۶۳/۶۳		۸۴	نتیجه نهایی: از کل قصاید بلند (۱۳۲ قصیده بلند)		

جدول شماره ۳ - ردیف در قصاید کوتاه:

درصد کل ردیف‌ها	تعداد کل ردیف‌ها	تعداد ردیف‌ها	انواع ردیف		
			انواع فعل تام	انواع فعل ربطی	
%۸۵/۸۶	۷۹	۵۰	فعل تام	فعل تام	فعلی
		۱۲	... + فعل تام		
		۱	وجه مصدری تام		
		۱۰	فعل ربطی	انواع فعل ربطی	
		۵	... + فعل ربطی		
		۱	... + فعل دعا یا صیغه دعا		
%۴/۳۴	۴	۲	اسم عام	... + اسم خاص	اسمی
		۲	... + اسم خاص		
%۴/۳۴	۴	۲	ضمیر منفصل	... + ضمیر متصل	ضمیری
		۱	... + ضمیر متصل		
		۱	... + ضمیر متصل		
%۲/۱۷	۲	۱	حرف		حرفی
		۱	... + حرف		
%۱/۰۸	۱	۱	... + صفت جامد		وصفی
%۲/۱۷	۲	۲			شبه جمله ای
میانگین کل قصاید کوتاه: %۷۹/۳۱		۹۲	نتیجه نهایی: از کل قصاید کوتاه (۱۱۶ قصیده کوتاه)		

جدول شماره ۴ - ردیف در غزلیات:

درصد کل ردیف‌ها	تعداد کل ردیف‌ها	تعداد ردیف‌ها	انواع ردیف		
			انواع فعل تام	انواع فعل ربطی	اسمی
۸۳/۵۲٪	۲۲۳	۱۵۳	فعل تام	انواع فعل تام	فعلی
		۲۳	... + فعل تام		
		۳	وجه مصدری تام		
		۲۵	فعل ربطی	انواع فعل ربطی	
		۱۴	... + فعل ربطی		
		۱	وجه مصدری ربطی		
		۱	... + فعل دعا یا صیغه دعا		
		۳	فعل کمکی یا معین		
۲/۶۲٪	۷	۲	اسم عام	اسم عام ... + اسم عام	اسمی
		۵			
۸/۶۱٪	۲۳	۱۰	ضمیر منفصل	... + ضمیر متصل	ضمیری
		۹			
		۴	... + ضمیر متصل		
۱/۱۲٪	۳	۱	قید مشترک	... + قید مشترک	قیدی
		۱			
		۱	... + قید مختص		
۱/۸۷٪	۵	۲	حرف	... + حرف	حرفی
		۳			
۰/۷۴٪	۲	۲	... + صفت جامد	وصفی	
۰/۳۷٪	۱	۱	شبه جمله	شبه جمله‌ای	
۱/۱۲٪	۳	۳	جمله	جمله‌ای	
میانگین کل غزلیات: ۷۸/۹۹٪		۲۶۷	نتیجه نهایی: از کل غزلیات (۳۳۸ غزل)		

جدول شماره ۵ - ردیف در ترجیحات

درصد کل ردیف‌ها	تعداد کل ردیف‌ها	تعداد ردیف‌ها	انواع ردیف		
۶۴/۹۶٪	۸۹	۵۶	فعل تام	انواع فعل تام	فعلی
		۱۵	... + فعل تام		
		۱	وجه مصدری تام		
		۳	فعل دعا یا صیغه دعا	انواع فعل ربطی	
		۳	فعل ربطی		
		۸	... + فعل ربطی		
		۱	فعل دعا یا صیغه دعا		
		۲	... + فعل دعا یا صیغه دعا		
۱۴/۵۹٪	۲۰	۱۱	اسم عام	اسم	
		۹	... + اسم عام		
۱۰/۲۱٪	۱۴	۲	ضمیر منفصل	ضمیری	
		۵	... + ضمیر منفصل		
		۷	... + ضمیر متصل		
۲/۹۱٪	۴	۱	قید مختص	قیدی	
		۲	قید مشترک		
		۱	... + قید مشترک		
۵/۸۳٪	۸	۱	حرف	حرفی	
		۷	... + حرف		
۱/۴۵٪	۲	۱	صفت جامد	وصفی	
		۱	... + صفت جامد		
میانگین کل بندهای ترجیحات: ۹۶/۴۷٪		۱۳۷	نتیجه نهایی: از کل بندهای ترجیحات (۱۴۲ بند ترجیع)		



جدول شماره ۶ - ردیف در رباعیات:

درصد کل ردیف‌ها	تعداد کل ردیف‌ها	تعداد ردیف‌ها	انواع ردیف		
			انواع	تعداد	
۷۰/۶۲٪	۱۱۳	۵۹	انواع فعل تام	فعلی	
		۱۵	... + فعل تام		
		۲۳	فعل ربطی		
		۱۳	... + فعل ربطی		
		۳	فعل کمکی یا معین		
۷/۵۰٪	۱۲	۷	اسم عام	اسمی	
		۵	... + اسم عام		
۱۳/۷۵٪	۲۲	۶	ضمیر منفصل	ضمیری	
		۱۰	... + ضمیر منفصل		
		۶	... + ضمیر متصل		
۳/۱۲٪	۵	۲	قید مشترک	قیدی	
		۲	... + قید مشترک		
		۱	... + قید مختص		
۱/۸۷٪	۳	۱	حرف	حرفی	
		۲	... + حرف		
۰/۶۲٪	۱	۱	صفت جامد	وصفی	
۲/۵۰٪	۴	۴	شبه جمله	شبه جمله‌ای	
میانگین کل رباعیات:		۱۶۰	نتیجه نهایی: از کل رباعیات (۲۹۷ رباعی)		
		۵۳/۸۷٪			

جدول شماره ۷ - ردیف در قطعات:

درصد کل ردیف‌ها	تعداد کل ردیف‌ها	تعداد ردیف‌ها	انواع ردیف		
			انواع فعل تام	انواع فعل ربطی	
%۷۷/۴۱	۱۶۸	۸۳	فعل تام	فعلی	
		۱۹	... + فعل تام		
		۲	فعل دعا یا صیغه دعا		
		۴۱	فعل ربطی	انواع فعل ربطی	
		۲۰	... + فعل ربطی		
		۱	فعل دعا یا صیغه دعا		
		۲	فعل کمکی یا معین		
%۶/۴۵	۱۴	۱۱	اسم عام	اسمی	
		۳	اسم خاص		
%۹/۶۷	۲۱	۱۲	ضمیر منفصل	ضمیری	
		۶	... + ضمیر منفصل		
		۳	... + ضمیر متصل		
%۰/۴۶	۱	۱	قید مشترک	قیدی	
%۲/۳۰	۵	۳	حرف	حرفی	
		۲	... + حرف		
%۱/۸۴	۴	۱	صفت مشتق	وصفی	
		۳	صفت جامد		
%۱/۸۴	۴	۴	جمله	جمله‌ای	
میانگین کل قطعات: ۱/۶۶/۷۶		۲۱۷	نتیجه نهایی: از کل قطعات (۳۲۵ قطعه)		

پی نوشت‌ها

- ۱- در احصای ردیف، بر اساس کتاب های «المعجم فی معاییر اشعار العجم»، اثر شمس قیس رازی (از قدما) و «شناخت شعر»، اثر ناصرالدین شاه‌حسینی (از معاصران) عمل شده است.
- ۲- در ارجاع های ابیات برگرفته از دیوان خاقانی، برای کوتاه نوشت، به ذکر صفحه و بیت در همان صفحه بسنده شده است؛ عدد سمت راست، نشان دهنده صفحه و عدد سمت چپ، شماره بیت در همان صفحه است.
- ۳- ← جامی، ۱۳۷۲، ص ۷۴؛ شمس العلماء گرکانی، ۱۳۲۸ ق، ص ۳۶۴؛ حسین محمّد شاه شهاب انصاری، ۱۹۵۶ م، صص ۲۲ - ۲۳؛ همایی، ۱۳۶۷، ص ۵؛ شاه‌حسینی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۵.

۴- در دیوان خاقانی، تصحیح دکتر سجّادی، ۳۲۵ قطعه ضبط شده، که قطعه‌ای در صفحه ۸۱۷ آمده:

نظارگیان به روی خوبست

چون درنگرند از کران‌ها ...

که در انتساب آن به خاقانی، جای تردید وجود دارد؛ زیرا این ابیات، در میان غزل شماره ۹ دیوان انوری نیز با اندک تفاوت، آمده است. (← انوری، ۱۳۶۴، ص ۷۶۹) همچنین دکتر سجّادی، در ص ۹۱۳، شعری را به عنوان قطعه آورده‌اند، که مثنوی است و نه قطعه؛ اما با توجه به این که منبع این پژوهش، دیوان خاقانی، تصحیح دکتر سجّادی است، این دو شعر را نیز به حساب آورده‌ایم. در پایان دیوان خاقانی، ۳۸ قصیده و قطعه عربی ضبط شده است که ۴ شعر مردّف، در میان این اشعار، مشاهده می‌شود: «بغداد، مغرب، العراق، الیمین»، اما به دلیل این که معیار ما در این پژوهش، اشعار فارسی دیوان است، این اشعار را به حساب نیاورده‌ایم.

۵- در تکریر، تکرارهای سه گانه یا بیش از آن در نظر گرفته شد، چه، تکرارهای دوگانه، بسیار زیاد است.

۶- در واج‌آرایی، تکرار صامت‌ها و مصوت‌های ده‌گانه و افزون بر آن منظور شده، چه، نغمه حروف کمتر از آن در دیوان خاقانی، به وفور یافت می‌شود و پرداختن به آنها، مقاله را دراز آهنگ خواهد کرد.

۷- در مقوله تشخیص، به اضافه‌های استعاری نیز پرداخته شده است.

۸- اصطلاح متوجّ، از کتاب «جناس در پهنه ادب فارسی» گرفته شده است. (← تجلیل، ۱۳۷۱، ص ۳۵)

۹- مذیل در لغت به معنی دامن دار و دراز دامن است، مأخوذ از ذیل به معنی دامن ... بعضی علمای بدیع، اصطلاح جناس مذیل را به موردی اختصاص داده‌اند که در آخر کلمه متجانس، بیش از یک حرف زیاد شده باشد، مانند: شر، شراب و ... (همایی، ۱۳۶۷، حاشیه ص ۵۱)

## منابع و مأخذ

### الف) کتاب‌ها

۱- انوری، اوحدالدین، (۱۳۶۴)، دیوان، تصحیح محمدتقی مدرّس رضوی، تهران،

انتشارات علمی و فرهنگی.

- ۲- تجلیل، جلیل، (۱۳۷۱)، جناس در پهنهٔ ادب فارسی، تهران، موسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۳- تهنوی، محمدعلی، (۱۹۹۶ م)، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان، ناشران.
- ۴- جامی، نورالدین عبدالرحمان، (۱۳۷۲)، رسالهٔ قافیهٔ ملاجمی (عروض سیفی و قافیهٔ جامی)، تصحیح بلاخمان، به اهتمام محمد فشارکی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- حسین محمد شاه شهاب انصاری، (۱۹۵۶ م)، کنز الفوائد، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- خاقانی، بدیل بن علی، (۱۳۷۸)، دیوان، به کوشش ضیاء الدین سجّادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات زوّار.
- ۷- رادمش، عظامحمد، (۱۳۸۵)، تحوّل و سیر ردیف در سبک خراسانی، نجف‌آباد، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد.
- ۸- سپهر، محمدتقی، (۱۳۵۱)، براهین العجم، با حواشی و تعلیقات سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- شاه‌حسینی، ناصر الدین، (۱۳۶۸)، شناخت شعر، تهران، نشر هما.
- ۱۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۰)، موسیقی شعر، چاپ ششم، تهران، انتشارات آگاه.
- ۱۱- شمس قیس رازی، (۱۳۳۸)، المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح محمد قزوینی، با مقابله و تصحیح مدرس رضوی، تهران، انتشارات کتابفروشی تهران.
- ۱۲- شمس‌الدین محمد آملی، (۱۳۷۷ ق)، نفایس الفنون فی عرایس العیون، با مقدمهٔ ابوالحسن شعرانی، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیّه.
- ۱۳- شمس العلماء گرکانی، محمد حسین، (۱۳۲۸ ق)، ابداع البدایع، تهران، وزارت علوم و معارف (چاپ سنگی).

- ۱۴- مصاحب، غلامحسین (به سرپرستی)، (۱۳۸۳)، دایرةالمعارف فارسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و انتشارات امیرکبیر.
- ۱۵- نجفقلی میرزا (آقا سردار)، (۱۳۵۵)، ذرّة نجفی، با تصحیح و تعلیقات حسین آهی، تهران، انتشارات کتابفروشی فروغی.
- ۱۶- نصیرالدین طوسی، (۱۳۶۹)، معیار الاشعار، با تصحیح و اهتمام جلیل تجلیل، تهران، نشر جامی و انتشارات ناهید.
- ۱۷- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۶۷)، فنون بلاغت و صناعت ادبی، تهران، نشر هما.

#### ب) مقالات

- ۱- سجادی، ضیاء‌الدین، (۱۳۸۶)، «سبک‌شناسی نظم در قرن ششم»، پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، شماره چهارم، صص ۴۷ - ۹۲.



## *A Linguistic Study of Whole Word Rhyming in the Works of Khaghani*

Zahra Karimzadeh Shooshtarinezhad, M.A.  
Ata Mohammad Radmanesh, PhD  
Islamic Azad University, Najafabad Branch

### **Abstract**

*Whole word rhyming or "Radeef" has always attracted meticulous rhetoricians as a perfect element in poetry; it makes poetry more pleasing to the ear by adding to its eloquence and rhythm provided that it is perfectly in line with the semantic structure of the work and that the work needs it in fact.*

*Khaghani is expressly fond of using whole word rhyming schemes in his poetry; few before him are known to have drawn so extensively upon the element of radeef and its various linguistic types.*

*The radeefs in Khaghani's works have usually been selected by the poet based on the general meaning of the work; thus, there is a harmony between the speech and meaning. The radeefs of most of his works are semantically congruous with his poems' texture and contents and represent their emotional atmosphere. Most of his verses have whole word rhymes the larger part of which consists of verbs in various poetic frameworks, although other parts of speech, such as nouns, postpositions, pronouns, adjectives, adverbs, sentences and semi-sentences are also found as radeef in his Diwān. His radeefs in a single work are sometimes not synonymous, nor do they have similar grammatical structures. The radeef in each verse, along with other elements in the verse, constitutes the literary "array" which, in addition to its rhetorical function, is musical and rouses deeper feelings.*

**Key words:** Radeef, Khaghani, Diwān, Linguistic and Musical Structures of Radeef.